

اکرم ابویی پیش از این دو کتاب از آثار خود منتشر کرده است.

یکی در پاییز 2004 به نام «نگاهی به آن سوی جهان» که مجموعه پرتره های او از نویسندگان و شاعران ایرانی و خارجی است که نخستین نمایشگاه آن در بهار 2003 در خانه برتولت برشت (برلین) برگزار شد.

کتاب دوم اکرم ابویی که مجموعه طرح های او زیر عنوان «حقوق بشر» است، در زمستان 2005 منتشر شد و نمایشگاه آن به مناسبت روز جهانی حقوق بشر در پاییز 2004 بود.

در کتاب نخست، پرتره های ابویی از صادق هدایت، به برتولت برشت می رسد. از انسانی خاص به انسانی خاصی دیگر. با مداد و رنگ. او در چهره های مشخص که نام دارند، شناخته شده اند و بر هنر و ادبیات تأثیر نهاده اند، به جستجو می پردازد. او هویت خود را در مردان و زنان دیگر می جوید. اما همواره نه خودش، که دیگران را می یابد.

در کتاب دوم، جستجوی ابویی ادامه می یابد. به انبوه انسان هایی می رسد که عام هستند. با مداد و قلم، سیاه و خاکستری، آنها را تصویر می کند. او در خطوط نامشخص اندام ها و چهره ها که نامی ندارند، شناخته شده نیستند و با این همه هنر و ادبیات سرشار از داستان های آنهاست، به جستجو می پردازد. او این بار هویت خویش را در همه انسان ها می جوید ولی هر بار دیگرانی را می یابد که چون او نیستند. اکرم ابویی حقوق آنها را نه با کلمه که با خط ثبت می کند.

در کتاب سوم، همین که در دست دارید، جستجوی او به تولد می رسد. خودش تازه به دنیا می آید. دوباره به دنیا می آید. یک تولد واقعی و شفاف به روشنی روز. بدون چادری که مادر در پنج شش سالگی به سرش کشید. کسی که با جسم و جان خود بیگانه است چگونه می تواند جسم و جان دیگران را دریابد؟ اکرم ابویی در این طرح ها بدون مرزهای باید و نباید خود را می یابد. خود را کشف می کند و با خطوط کتاب های اول و دوم یکی می شود و تولد خود را جار می زند. این تولد تنها او نیست. تولد زن است. زن عام. زن سده های پیشین در تخت جمشید یا زن امروز در خیابان های تهران.

در میان این همه چهره و اندام، تنها یکیست که خاص است. چهره ای که برای نخستین بار جان زن ایرانی را برهنه در کلمه به نمایش گذاشت. و درست همین کلام فروغ در آثار هنری و ادبی زنان ایرانی، از جمله همین کتاب، ادامه می یابد، چرا که هدف و پیام هنر و ادبیات همواره یک چیز است: آزادی...